



## The Structural Relationship of the Basic Decisions of Parents' Participation and the Forms of their participation

Mahbubeh. Nezam Parast<sup>1</sup>, Siavash. Talepasand<sup>2\*</sup> & Shahab. Moradi<sup>3</sup>

1. PhD student in educational psychology, Department of psychology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

2. \*Corresponding Author: Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

### ARTICLE INFORMATION

#### Article type

Original research

Pages: 165-178

Corresponding Author's Info

Email:

stalepasand@semnan.ac.ir

#### Article history:

Received: 2022/08/27

Revised: 2023/01/25

Accepted: 2023/01/28

Published online: 2023/10/02

#### Keywords:

parental participation, participation mechanisms, parental decisions, participation models

### ABSTRACT

**Background and Aim:** The dimensions of parents' participation in their children's education are of the variables that can have a major impact on the education of students. Therefore, the aim of the present study was to investigate the structural relationship between the basic decisions of parents' participation and the forms of their participation. **Methods:** The design of the study was descriptive-correlational type. The statistical population was the students of Tehran in the academic year 2020-21. The participants were 384 students who were selected by cluster random method. Parental involvement questionnaires (Hoover-Dempsey & Sandler, 2001) were completed by the participants and the data were analyzed with the structural equation model. **Results:** The findings showed that parental role construction and self-efficacy are sufficient indicators of the structure of parents' motivational beliefs. The structure of parents' motivational beliefs had a positive structural effect on the forms of parental participation. The structure of parents' understanding of inviting others to participate has three indicators that are significantly loaded on this structure. This structure had a significant structural effect on parental participation with two indicators of school-based and home-based participation. The structure of parents' perception of the context of life has two indicators of perception of their time and energy, and perception of their skills and knowledge. This structure had a positive and meaningful structural effect on the forms of parents' participation in their children's education. **Conclusion:** Hoover-Dempsey and Sandler's model can provide a suitable basis for parents' participation. The antecedents of this model in the field of increasing parental participation should be taken into consideration by school administrators and education decision makers.



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence.

© 2023 The Authors.

#### How to Cite This Article:

Nezam Parast, M., Talepasand, S., & Moradi, S. (2023). The Structural Relationship of the Basic Decisions of Parents' Participation and the Forms of their participation in Elementary School Students. *Jayps*, 4 (7): 165-178.



## رابطه ساختاری تصمیم‌های اساسی مشارکت والدین و اشکال مشارکت آن‌ها

محبوبه نظام پرست<sup>۱</sup>، سیاوش طالع پسند<sup>۲\*</sup> و شهاب مرادی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، رشته روانشناسی تربیتی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
۳. استادیار، گروه روانشناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۱۶۵-۱۷۸ اطلاعات نویسنده مسئول ایمیل: stalepasand@semnan.ac.ir سابقه مقاله	زمینه و هدف: ابعاد مشارکت والدین در تحصیل فرزندان یکی از متغیرهایی است که می‌تواند تاثیر عمده‌ای بر آموزش و تربیت دانش‌آموزان داشته باشد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ساختاری تصمیم‌های اساسی مشارکت والدین و اشکال مشارکت آن‌ها بود. روش پژوهش: طرح مطالعه همبستگی-توصیفی بود. جامعه آماری دانش‌آموزان شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود. شرکت کنندگان ۳۸۴ دانش‌آموز بودند که به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. پرسشنامه‌های مشارکت والدین (هور-دمپسی و سندلر، ۲۰۰۱)، توسط شرکت کنندگان تکمیل شدند و داده‌ها با مدل معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ساخت نقش والدینی و خودکارآمدی نشانگرهای بسنده‌ای از سازه باورهای انگیزشی والدین هستند. سازه باورهای انگیزشی والدین بر اشکال مشارکت والدین اثر ساختاری مثبت داشت. سازه درک والدین از دعوت دیگران برای مشارکت دارای سه نشانگر بسنده است که به طور معنادار بر روی این سازه بار شده‌اند. این سازه بر مشارکت والدین با دو نشانگر مشارکت مبتنی بر مدرسه و خانه اثر ساختاری معنادار داشت. سازه ادراک والدین از بافت زندگی دارای دو نشانگر ادراک از زمان و انرژی خود، و ادراک از مهارت و دانش خود است. این سازه بر اشکال مشارکت والدین در تحصیل فرزندان اثر ساختاری مثبت و معناداری داشت. نتیجه‌گیری: مدل هور - دمپسی و سندلر می‌تواند مبنای مناسبی برای مشارکت والدین فراهم آورد. پیشایندهای این مدل در زمینه افزایش مشارکت والدین باید مورد توجه مدیران مدارس و تصمیم‌گیران آموزش و پرورش قرار گیرد.
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ تاریخ اصلاح مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰	
<b>واژگان کلیدی</b> مشارکت والدین، مکانیسم‌های مشارکت، تصمیم‌گیری‌های والدین، مدل‌های مشارکت	

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است. تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه استناد به این مقاله

نظام پرست، محبوبه، طالع پسند، سیاوش، و مرادی، شهاب. (۱۴۰۲). رابطه ساختاری تصمیم‌های اساسی مشارکت والدین و اشکال مشارکت آن‌ها. مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان. ۴ (۷): ۱۶۵-۱۷۸.

## مقدمه

درک متقابل این دو نهاد از یکدیگر برای درک نیازها، امکانات، محدودیت‌ها و توانایی‌های یکدیگر موثر است. ابعاد مشارکت والدین<sup>۲</sup> در تحصیل فرزندان یکی از متغیرهایی است که می‌توان تاثیر عمده‌ای بر آموزش و تربیت دانش‌آموزان داشته باشد. منظور از ابعاد مشارکت والدین، مشارکت و درگیری در تحصیل فرزندان در دو محیط خانه و محیط و مدرسه است (جانسون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). مشارکت والدین اغلب در اصطلاحات مدرسه محور تعریف می‌شود، مانند دفعات بازدید والدین از مدرسه برای داوطلب شدن یا شرکت در کنفرانسی با معلم (فانتوزو<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). با این حال، مشارکت والدین در آموزش کودکان می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، هم در محیط در خانه و هم در مدرسه صورت گیرد (گروولنیک و اسلویاچک<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱).

نظریه مشارکت بر این اصل مبتنی است که افراد جامعه بایستی در طراحی، اجرا و مدیریت و ارزیابی برنامه‌ها دخالت داده شوند. بسیاری از محققان نقش مهمی را که پیوند مثبت قوی بین خانه و مدرسه در رشد و آموزش کودکان ایفا می‌کند، مورد توجه قرار داده‌اند (ادواردز و آلدرد، ۲۰۰۰؛ هندرسون و مپ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲؛ ریچاردسون، ۲۰۰۹). تئوری‌های مطرح شده توسط مطالعات متعددی که نشان می‌دهد همکاری خوب بین مدارس، خانه‌ها و جوامع می‌تواند به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و همچنین اصلاحات در آموزش منجر شود، مورد حمایت قرار گرفته و مجدداً مورد تایید قرار گرفته‌اند (جانسون، ۲۰۱۶). تحقیقات نشان داده است که دانش‌آموزان موفق از حمایت تحصیلی قدرتمندی از سوی والدین درگیر خود برخوردار هستند (شلدون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹). به علاوه،

از آن جایی که انسان موجودی اجتماعی است و کردار و رفتار او متأثر از آداب و رسوم و قوانین اجتماعی است، بدون تعلق به گروه، احساس امنیت و آرامش نمی‌کند. بنابراین هنگامی که ساختار مدرسه به گونه‌ای باشد که حس متعلق بودن و یکپارچگی را آموزش دهد والدین و دانش‌آموزان می‌توانند زندگی کردن، یاری دادن و کارکردن در کنار هم را یاد بگیرند. درک متقابل خانه و مدرسه به همکاری بیش تر، تعهد و اعتماد بین والدین و کادر مدرسه ختم می‌شود که نتیجه آن رشد تحصیلی و شناختی بیش تر شاگردان است (هور- دمپسی و سندلر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). تعامل میان تجارب یادگیری رسمی کودک در مدرسه با تجربه رشد غیررسمی کودک در خانه و خانواده از طریق فرایند مداوم رخ می‌دهد. بنابراین اگر قرار است کودکان حداکثر مزایای برنامه درسی را دریافت کنند، همکاری نزدیک میان خانه و مدرسه ضرورت دارد. همچنین والدین سهمی ویژه در خلق و ایجاد روح مثبت در مدرسه دارند تا همه اعضای جامعه و مدرسه بتوانند در خود احساس تعلق خاطر نسبت به مدرسه به وجود بیاورند و علاقه مند به توسعه و پیشرفت مدرسه باشند. هور - دمپسی و سندلر بیان می‌کنند که سه سازه اساسی در دل مشارکت والدین در تصمیمات برنامه درسی قرار دارند: ۱) عقاید و باورهای معلم در زمینه نقش‌های والدین در آموزش و پرورش کودکانشان، ۲) احساس کارآیی والدین در کمک به کودکانشان برای موفقیت در مدرسه و ۳) درک و آگاهی از اینکه هم کودک و هم مدرسه خواستار مشارکت والدین‌اند (هور - دمپسی و سندلر، ۲۰۰۰). تغییر نگرش‌ها و شناخت‌های جدیدی نسبت به این موضوع موجب آگاهی مدرسه از نقش اساسی خود در برقراری ارتباط نزدیک با خانواده شده است. مدارس باید به صورت فعال در رشد ارتباطات و مشارکت‌های گروهی و متقابل خانواده تلاش نمایند.

1. Hoover-Dempsey & Sandler

2. Parental involvement
3. Johnson
4. Fantuzzo
5. Grolnick & Slowiaczek
6. Henderson & Mapp
7. Sheldon

هدف این پژوهش بررسی مدل عوامل تاثیر گذار بر میزان باور والدین برای شرکت در تحصیل فرزندان بود. در این مدل والدین دارای باورهای انگیزشی برای شرکت در تحصیل فرزندان فرض می‌شوند که نقش باور به نقش والد و احساس خودکارآمدی والد بر این باور انگیزشی بررسی می‌شود، علاوه بر این، ادراک والدین از دعوت شدن برای مشارکت در تحصیل فرزند نیز یک متغیر تاثیر گذار دیگر بر میزان مشارکت او است که خود می‌تواند متاثر از ادراک دعوت از سوی مدیر، معلم و دانش‌آموز باشد. متغیر سومی که در این مدل به عنوان متغیر تاثیر گذار بر میزان مشارکت والدین در تحصیل فرزندان بررسی می‌شود، متغیر درک والدین از بافت زندگی خودشان است که بر میزان مشارکت در تحصیل فرزندان تاثیر می‌گذارد، که این نیز می‌تواند متاثر از زمان و انرژی والدین و احساس مهارت و دانش برای شرکت در تحصیل فرزندان است.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر همبستگی-توصیفی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری است. تمام دانش‌آموزان پایه ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ جامعه آماری را تشکیل داده بودند. تعداد دانش‌آموزان ابتدایی (دختر و پسر) مدارس دولتی کل شهر تهران ۴۹۴۷۱۵ هزار نفر بود. با توجه به جدول مورگان حداقل حجم نمونه ۳۸۴ دانش‌آموز است. در این مطالعه با در نظر گرفتن موارد مفقوده ۴۰۰ دانش‌آموز انتخاب شده است. از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. ابتدا از کل مناطق تهران در ناحیه‌های شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی ۵ منطقه انتخاب شده است. سپس از هر منطقه، دو مدرسه بصورت تصادفی انتخاب گردیدند. شهر تهران به پنج ناحیه شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی تقسیم شد. بصورت تصادفی از هر ناحیه یک منطقه به تصادف انتخاب شده است. از هر منطقه دو مدرسه (دخترانه و پسرانه) انتخاب شده است. تعداد نمونه در هر منطقه ۴۰ دانش‌آموز از هر مدرسه دخترانه ۲۰ نفر و از

تحقیقات بر روی مدارس مهم، مدرسی که دانش‌آموزان در آن‌ها در حال یادگیری و موفقیت هستند، به طور مداوم نشان داده است که این مدارس علی‌رغم اینکه اغلب در محله‌هایی دایر هستند که از نظر اجتماعی و اقتصادی در سطح پایینی هستند، دارای روابط قوی و مثبت مدرسه و خانه هستند (ساندرز و شلدون، ۲۰۰۹). مهمتر از آن، این مدارس مؤثر با جو آموزشی مثبت، تلاش قابل توجهی در ارتباط با خانواده دانش‌آموزان خود برای ایجاد همکاری خوب انجام داده‌اند. ساندرز و شلدون (۲۰۰۹) بر این باورند که مدارس زمانی موفق می‌شوند که یک رابطه قوی و مثبت بین دانش‌آموزان، والدین، معلمان و جامعه برقرار شود. همه دانش‌آموزان در صورتی که محیط خانه‌شان دارای جو حمایت‌کننده باشد، احتمال موفقیت تحصیلی بیشتری دارند (گروور<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). با توجه به نقش پر اهمیت ابعاد مشارکت والدین در تحصیل فرزندان، یکی از یکی از مسائل مهم بررسی متغیرهای تاثیر گذار و افزایش دهنده ابعاد مشارکت والدین است. شناخته شده‌ترین مدل در زمینه چگونگی، کیفیت و اثر بخشی مشارکت والدین در تحصیل فرزندان و متغیرهای تاثیر گذار بر آن توسط هوور-دمپسی و ساندر (۲۰۰۵) تدوین شده است که به مدل فرایند مشارکت (درگیری) والدین<sup>۲</sup> هوور-دمپسی و ساندر معروف است. این مدل، کوششی برای تبیین چرایی مشارکت (درگیر شدن) پدر و مادر در آموزش و پرورش فرزندان و چگونگی تاثیرگذاری مشارکت بر پیامدهای تحصیلی فرزندان است که در پنج سطح طراحی شده است. مدل آن‌ها بر این امر استوار است که تصمیم‌های مثبت والدین برای مشارکت، گونه‌های انتخاب آنان را در بر دارد که آن گونه‌های انتخاب سازوکارهای فکری را مشخص می‌کنند و با تاثیر گرفتن از متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌ای، سرانجام پیامدهای تحصیلی کودک را ورق می‌زند.

1. Grover
2. Model of the parental involvement process

### روش اجرا

ابتدا شهر تهران به پنج ناحیه شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی تقسیم شده و بصورت تصادفی از هر ناحیه یک منطقه به تصادف انتخاب شد؛ از هر منطقه دو مدرسه (دخترانه و پسرانه) انتخاب شد. تعداد نمونه در هر منطقه ۴۰ دانش‌آموز از هر مدرسه دخترانه ۲۰ نفر و از هر مدرسه پسرانه ۲۰ نفرانتخاب شدند. باوجود شرایط قرنطینه دوران کرونا، پس از هماهنگی با مدیر هر مدرسه که بعنوان نمونه انتخاب شده پرسشنامه‌ها (در قالب یک فایل) تهیه و بصورت آنلاین در اختیار والدین مدارس ابتدایی منتخب قرار داده شد و از آن‌ها شد اطلاعات مربوط را در فایل مورد نظر درج نمایند. در این پژوهش، برای تحلیل مقدماتی داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، و ماتریس همبستگی) و برای ارزیابی مدل پیشنهادی از روش معادلات ساختاری استفاده شد. تحلیل داده با استفاده از نرم افزارهای آماری Smart PLS3 و SPSS-25 انجام شد.

### یافته‌ها

از لحاظ شاخص‌های جمعیت‌شناختی ۴۷٪ از نمونه آماری این تحقیق را والدین پدر و ۵۳٪ از نمونه آماری را والدین پدر تشکیل داده‌اند. به لحاظ سنی اکثریت پاسخ‌دهندگان (۵۲٪) در رده سنی ۴۱ تا ۵۰ سال بودند؛ همچنین ۴۰٪ از پاسخ‌دهندگان ۳۰ تا ۴۰ سال داشتند. ۳۶ درصد شغل والدین آزاد و ۳۳ درصد شغل والدین دولتی و مابقی والدین بیکار یا خانه‌دار بودند.

هر مدرسه پسرانه ۲۰ نفرانتخاب شده است. باوجود شرایط قرنطینه دوران کرونا، پس از هماهنگی با مدیر هر مدرسه که بعنوان نمونه انتخاب شده پرسشنامه‌ها (در قالب یک فایل) تهیه گردید و بصورت آنلاین در اختیار والدین مدارس ابتدایی در پنج منطقه تهران (دخترانه و پسرانه) قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا در این امر مشارکت نمایند.

### ابزار پژوهش

۱. مقیاس ساختن نقش والدین برای مشارکت در آموزش کودکان: این مقیاس یک مقیاس چند قسمتی است و بر اساس مدل باز طراحی شده و توسط هورور-دمپسی و سندلر (۲۰۰۵) ساخته شده است. این ابزار در واقع چند لایه و چند قسمتی است که نقش چندین متغیر را در مدل ابعاد مشارکت والدین در آموزش کودکان (فرزندانشان) ایفا می‌کند و با طیف لیکرت ۶ نقطه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه شامل ۹ مقیاس بوده که عبارت است از: مقیاس باورهای نقش فعالیت (۱۰ گویه)، مقیاس خودکارآمدی والدینی (۷ گویه)، مقیاس برداشت والدین از دعوت برای مشارکت در مدرسه (۶ گویه)، مقیاس ادراک والدین از دعوت کودکان برای مشارکت (۶ گویه)، مقیاس ادراک والدین از دعوت معلم برای مشارکت (۶ گویه)، مقیاس درک والدین از دانش و مهارت شخصی (۶ گویه)، مقیاس درک والدین از زمان و انرژی برای مشارکت (۶ گویه)، مقیاس‌های فعالیت‌های مشارکت مبتنی بر خانه (۵ گویه) و مدرسه (۴ گویه). پایایی پرسشنامه توسط سازندگان و با آلفای کرونباخ تأیید شد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵
۱						
۱. اشکال مشارکت والدین	۸۸/۴۰	۹/۶۹	۰/۷۸۵**	۱		
۲. باورهای انگیزشی والدین	۸۹/۹۸	۹/۲۰	۰/۷۷۸**	۰/۶۷۹**	۱	
۳. درک والدین از دعوت دیگران						

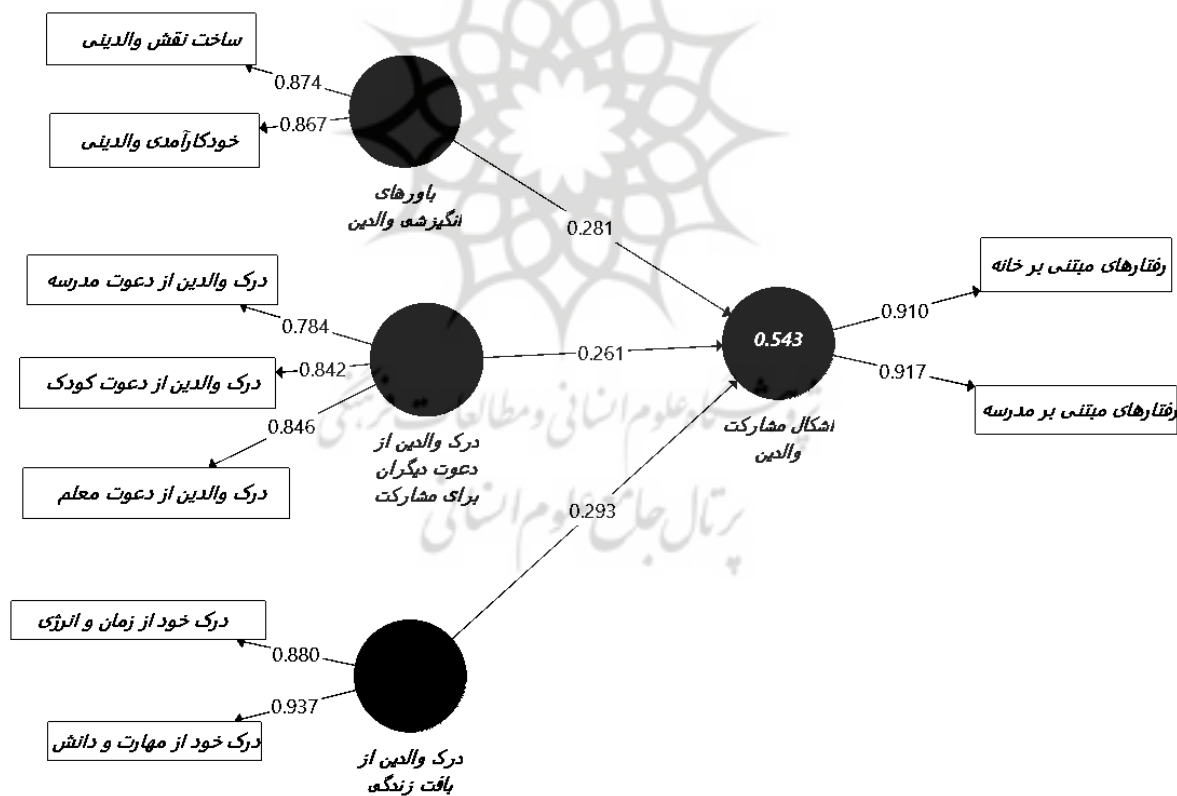


۴. درک والدین از بافت زندگی	۸۵/۹۳	۸/۸۵	۰/۷۷۰**	۰/۶۴۴**	۰/۶۷۰**	۱
۵. رفتارهای مبتنی بر خانه	۲۶/۰۵	۴/۱۸	۰/۶۶۰**	۰/۵۳۴**	۰/۵۷۹**	۱
۶. رفتارهای مبتنی بر مدرسه	۲۵/۷۶	۴/۳۲	۰/۶۸۹**	۰/۶۵۱**	۰/۶۰۷**	۰/۶۶۸**

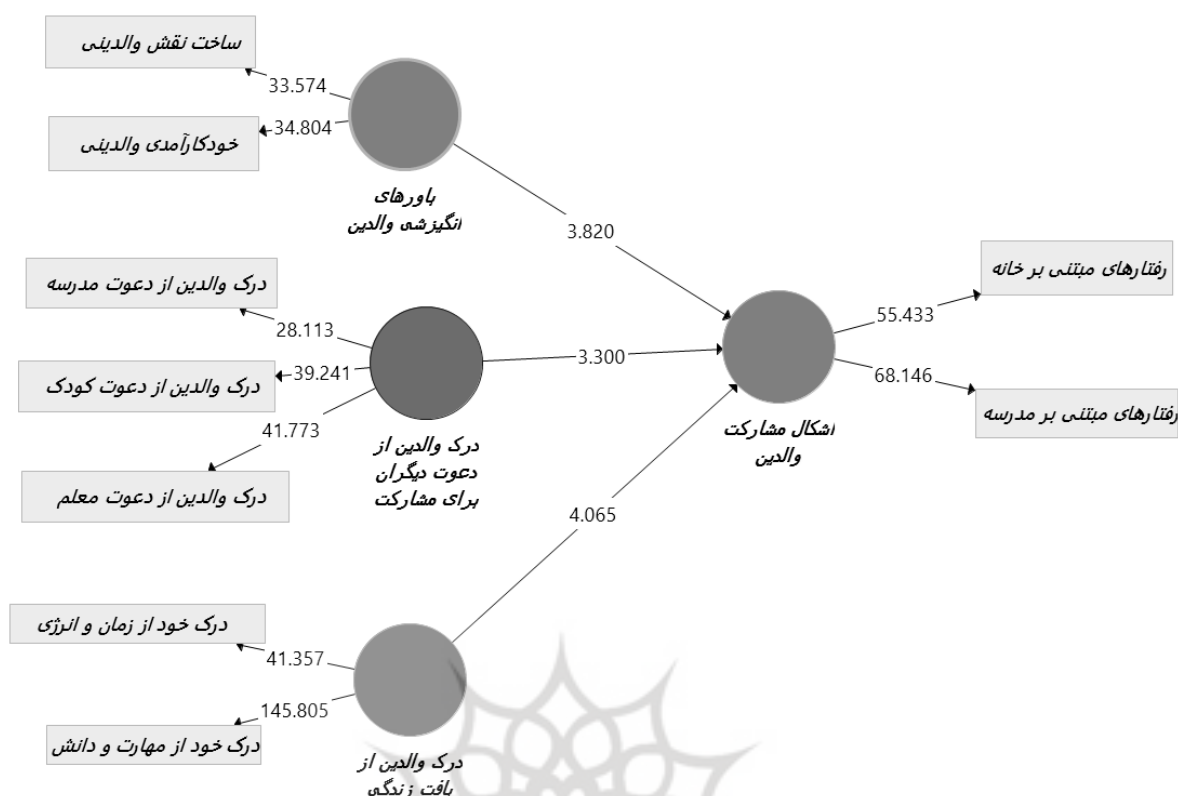
\* $P < 0.05$  \*\* $P < 0.01$

به منظور بررسی مدل مفهومی پژوهش از مدل ساز معادلات ساختاری حداقل مجذورات جزئی استفاده شد تا با استفاده از نتایج آزمون به بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش، ضرایب اعتبار و پایایی و کیفیت مدل پرداخته شود. در ابتدا، مدل مربوط به ضرایب مسیر (شکل ۱) و پس از آن مدل مربوط به مقادیر تی (شکل ۲) گزارش شده است.

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های متغیرهای پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. همچنان که ملاحظه می‌شود متغیرهای باورهای انگیزشی والدین، درک والدین از دعوت دیگران برای مشارکت، درک والدین از بافت زندگی، رفتارهای مبتنی بر خانه کمترین همبستگی، رفتارهای مبتنی بر مدرسه با اشکال مشارکت والدین به صورت مثبت و در سطح ۰/۰۱ معناداری همبسته‌اند. متغیرهای باورهای انگیزشی والدین بیشترین همبستگی و رفتارهای مبتنی بر خانه کمترین همبستگی را دارد.



شکل ۱. ضرایب مسیر



شکل ۲. مقادیر تی

مورد تأیید قرار می‌دهد. و مدل اندازه‌گیری کیفیت مناسب دارد. در نهایت پس از تأیید کفایت، پایایی و روایی‌های مورد نیاز به بررسی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش بر اشکال مشارکت والدین پرداخته شده است.

نتایج آزمون برازش مدل نشان داد شاخص واری اعتبار اشتراک متغیر پنهان برای تمام سازه‌ها مثبت است و همچنین شاخص SRMR (ریشه دوم میانگین باقی مانده مربعات استاندارد شده) استفاده شد که این شاخص برابر ۰/۰۷۹ گزارش شده است که از ۰/۰۸ کوچکتر است که نشان می‌دهد داده‌های تجربی کلیت مدل نظری را

جدول ۲. اثرات مستقیم برای مدل اصلی

مسیرها	S. E	$\beta$	t	سطح معناداری
اثر مستقیم				
باورهای انگیزشی والدین ← اشکال مشارکت والدین	۰/۰۷۴	۰/۲۸۱	۳/۸۲	۰/۰۰۰۱
درک والدین از بافت زندگی ← اشکال مشارکت والدین	۰/۰۷۲	۰/۲۹۳	۴/۰۶	۰/۰۰۰۱
درک والدین از دعوت دیگران برای مشارکت ← اشکال مشارکت والدین	۰/۰۷۹	۰/۲۵۹	۳/۳۰	۰/۰۰۱

بود. اثر سازه نهفته درک والدین از بافت زندگی بر سازه نهفته اشکال مشارکت والدین ( $P < ۰/۰۱$ ,  $\beta = ۰/۲۵۹$ )، معنادار بود.

بر اساس مندرجات جدول فوق اثر مستقیم باورهای انگیزشی والدین بر اشکال مشارکت والدین ( $P < ۰/۰۱$ ،  $\beta = ۰/۲۸۱$ ) معنادار بود. همچنین، اثر سازه نهفته درک والدین از دعوت دیگران برای مشارکت بر سازه نهفته اشکال مشارکت والدین ( $P < ۰/۰۱$ ،  $\beta = ۰/۲۹۳$ ) معنادار

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف رابطه ساختاری تصمیم‌های اساسی مشارکت والدین و اشکال مشارکت آن‌ها در دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که سازه نقش والدین و نیز سازه خودکارآمدی به طور مثبت و معناداری بر متغیر مکنون باورهای انگیزشی والدین بار شده است و این متغیر نیز تاثیر مثبت و معناداری بر اشکال مشارکت والدین در تحصیل فرزندان گذاشته است. سازه نقش والدین در اصل به معنای باورها و اعتقاد والدین مبنی بر آنکه در مورد آموزش و تحصیلات فرزندان شان چه کاری می‌توانند انجام دهند، می‌باشد. این نتیجه با نتایج ذوقی پایدار، یعقوبی و نبی زاده (۱۳۹۳)، کاد (۲۰۲۰)، شانک و پنتریچ (۲۰۱۲) و روف و بوئس (۲۰۱۴) همسو بود. سازه نقش به عنوان یک انگیزه دهنده برای مشارکت والدین عمل می‌کند زیرا به والدین کمک می‌کند تصور کنند و انتظار داشته باشند که باید چگونه رفتار کنند تا در فعالیتهایی که موفقیت آموزشی فرزندان شان مربوط می‌شوند نقش داشته باشند (هوور - دمپسی و ساندرلر، ۱۹۹۷). لو و چویی (۲۰۱۳) بیان می‌کنند انجام یک تکلیف و نقش ایفا کردن از سوی افراد با مهارت‌های مشابه در موقعیت‌های گوناگون به صورت ضعیف، متوسط و یا قوی یا توسط یک فرد در شرایط متفاوت ارتباط دارد. بنابراین اگر والدین احساس ایفای نقش کننده داشته باشند، و هر چه این احساس قوی‌تر باشد، باورهای انگیزشی را قوی‌تر می‌کند و این باورهای انگیزشی موجب مشارکت بیش‌تر آن‌ها در تحصیل فرزندان شان می‌شود. می‌توان اضافه کرد که احساس نقش (سازه نقش) در والدین از آن جهت باور انگیزشی را تقویت می‌کند که نقص در تحصیلات فرزندان می‌تواند برای آن‌ها حالت اضطرابی یا تهدید به خود بگیرد و این به نوبه خود باور انگیزشی ایجاد می‌کند. همچنین اگر فرزندان در وضعیت تحصیلی مناسبی نیز قرار بگیرد، برای حفظ این حالت نیز مجدد دارای انگیزش خواهد بود و این به نوبه خود رفتار مشارکت در تحلیلی

فرزندان را، چه رفتار مشارکت در خانه و چه در مدرسه، افزایش می‌دهد. کاد (۲۰۲۰) بیان می‌کند، افرادی که برای کاری ارزش قائل اند، احتمال اقدام به آن کار را در خود بالا می‌برند و برای آن انگیزش دارند، این دقیقاً مشابه سازه نقش است، که در آن مطرح می‌شود اگر والدین احساس کنند می‌توانند در تحصیل فرزندان خود نقش داشته باشند، برای آن کار دارای باور انگیزشی می‌شوند و این باور انگیزشی منجر به بالا رفتن احتمال رفتارهای مشارکتی مبتنی بر منزل یا مبتنی بر مدرسه خواهد شد.

والدینی که معتقدند نقش خودشان در تأثیرگذاری بر پیشرفت فرزندان در مدرسه مهم است، در مقایسه با والدینی که نقش خود را مهم نمی‌دانند، اغلب رشد علایق فرزندان را تسهیل می‌کنند. باور به نقش معادل باور ارزش است. باورهای ارزش، وظیفه تعیین‌کننده‌های کلیدی انتخاب، تداوم و مشارکت در کارها هستند. اکلس و ویگفیلد (۲۰۰۲) چهار مؤلفه ارزش کار را بیان کردند: ارزش دستیابی، ارزش ذاتی، ارزش مطلوبیت و هزینه. در مورد مشارکت والدین، این مؤلفه‌ها به (الف) اهمیت شخصی که والدین برای کمک مثبت به یادگیری فرزندان نسبت می‌دهند اشاره دارد. (ب) لذت واقعی که والدین از انجام این کار احساس می‌کنند. (ج) رابطه‌ای که شخصی آن‌ها در زندگی قائل هستند. و (د) میزان تلاش یا تجارب منفی که والدین احساس می‌کنند باید برای انجام این کار انجام دهند.

علاوه بر سازه نقش یا انگیزه والدین برای مشارک و کمک به فرزندان شان در امور تحصیلی، خودکارآمدی والدین نیز در باورهای انگیزشی آن‌ها معنادار بوده و باورهای انگیزشی نیز در اشکال مشارکت والدین در تحصیل فرزندان تاثیر معناداری دارد. این نتیجه با نتایج زارع و قربانی (۱۴۰۰)، نمستن و همکاران، (۲۰۲۲)، بوریچ و کیم (۲۰۲۰)، اوکان و احمیت (۲۰۱۳) همسو بود. تبیین ارتباط معناداری احساس خودکارآمدی والدین با باورهای



این نتایج می‌تواند بدین معنا باشد که والدین دعوت از سوی معلم را بیشتر از همه جدی می‌گیرند زیرا معلم به طور مستقیم و بی واسطه و بیشتر از هر کس دیگری در جریان وضعیت تحصیلی دانش‌آموز است و هر پیام یا دعوتی از سوی وی برای والدین برای والدین دارای بار اهمیتی بیشتر تلقی می‌شود. این یافته با یافته‌های سارا کوستی و لارا (۲۰۱۹)، جوریشیچ و بونیچوچ (۲۰۱۷)، شاجیس و آرچال (۲۰۱۴)، اپستاین و فن وریس (۲۰۱۱) و پاور، کراسستیس و هابوش (۲۰۰۱) همسو بود اما با پژوهش ذوقی پایدار، یعقوبی و نبی زاده (۱۳۹۳) ناهمسو بود، این پژوهش نشان داده است که دعوت مدرسه موجب افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان نشده است و در این زمینه بیان می‌کنند که احتمالاً دعوت مدرسه برای والدین جدی گرفته نشده است و دلیل دیگر این ناهمسوئی را می‌توان در جامعه و نمونه‌های پژوهش دید، در پژوهش مذکور روی والدین با کودکان بیش فعال مطالعه صورت گرفته است اما در پژوهش حاضر، دانش‌آموزان و والدین عادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در تبیین اثر دعوت برای مشارکت (از سوی کودک، معلم و مدیر) بر مشارکت در تحصیل فرزندان (مبتنی بر خانه یا مدرسه) می‌توان گفت که با دعوت از سوی عوامل مدرسه و به خصوص معلم که بیشترین نقش و نیز بیشترین آشنایی را با تحصیل کودکان دارد، پیام اهمیت به والدین صادر می‌شود. هنگامی که والدی پیام اهمیت حضور و مداخله خود را از سوی معلم و مدیر دریافت کند، بالتبع میزان مشارکت او (چه در خانه و چه در مدرسه) در تحصیل فرزند بالا خواهد رفت. علاوه بر اثر دعوت در ایجاد اهمیت، دعوت از سوی عوامل مدرسه ایجاد مسئولیت می‌کند، یعنی در والدین طرح‌واره یا نگرشی مبتنی بر اینکه وی در قبال یادگیری فرزند خود دارای مسئولیتی هم‌تراز یا مشابه با معلم و مدیر است شکل می‌گیرد و این نیز به نوبه خود میزان مشارکت مبتنی بر خانه یا مدرسه را افزایش می‌دهد. به خصوص

انگیزشی آن‌ها برای مشارکت در تحصیل فرزندان خود، در چارچوب نظریه انگیزشی انتظار ضربدر ارزش قابل حل شدن و تبیین است. این نظریه بیان می‌کند که افراد در صورتی دارای انگیزش برای کار هستند که احساس و باور برای موفقیت در آن عمل داشته باشند و نیز علاوه بر این انتظار، نتایج آن عمل هدف نیز برایشان قابل ملاحظه و ارزشمند باشد (لوه، ۲۰۱۹). بنابراین می‌توان استنباط کرد که والدینی که باور خودکارآمدی برای تاثیر بر تحصیل فرزندان خود داشته باشند، در آن‌ها انگیزش و باور انگیزشی برای این اقدام به وجود خواهد آمد. لیلیان (۲۰۱۲) نیز نشان داده است احساس خودکارآمدی تشکیل دهنده باور انگیزش برای تلاش است. احتمالاً والدین با احساس خودکارآمدی یکی از شرط‌های مهم مشارکت در تحصیل فرزندان را دارند، در مواجهه با چالش‌های تحصیلی فرزند استقامت خواهند داشت و علاقه و انگیزه پایدار برای مشارکت در تحصیل فرزندان به شکل مشارکت مبتنی بر خانه یا مبتنی بر مدرسه ایجاد می‌کند. والدین با خودکارآمدی بیشتر، باور بیشتری برای تاثیر گذاری بر فرزندان خود خواهند داشت این باور و احساس توانمندی می‌تواند منجر به احساس انگیزش و باور بیشتر به ایجاد زمینه‌های بیشتر برای فرزندان خود خواهد شد، بنابراین می‌توان استنباط کرد که احساس خودکارآمدی نقش معناداری در باور انگیزی ایجاد می‌کند (باو و وانگ، ۲۰۲۰).

نتیجه دیگر پژوهش آن بود که درک والدین از دعوت دیگران برای مشارکت (در تحصیل فرزندان) با سه نشانگر، تاثیر مثبت و معناداری بر مشارکت والدین (دارای دو نشانگر مشارکت مبتنی بر مدرسه و خانه) داشت. ابتدا باید اشاره کرد که هر سه نشانگر دعوت از سوی کودک، دعوت از سوی معلم و دعوت از سوی مدیر، به طور معناداری بر متغیر مکنون دعوت بار شده‌اند. به ترتیب دعوت از سوی معلم، دعوت از سوی کودک و دعوت از سوی مدیر بیشترین بار عاملی معنادار را ایجاد کرده‌اند.

سازمان‌های والدینی، شوراهای مشورتی، یا کمیته‌های رهبری و مشارکت والدین، گروه‌های مدافع مستقل برای اجماع برای اصلاح و بهبود مدرسه، شبکه‌هایی برای پیوند دادن همه خانواده‌ها با نمایندگان والدین. همه این موارد ارتقاء دهنده مشارکت والدین در تحصیل فرزندان است.

نتیجه سوم پژوهش آن بود که ادراک والدین از بافت زندگی با دو نشانگر ادراک از زمان و انرژی خود و ادراک از مهارت و دانش خود، بر اشکال مشارکت والدین در تحصیل فرزندان اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین درک والدین از مهارت و دانش خود بار عاملی بیشتری ایجاد کرده، بنابراین تاثیر بیشتری نیز بر اشکال مشارک والدین نشان داده است. این یافته با یافته‌های فریدنی

(۲۰۲۱)، ژیرا و همکاران (۲۰۲۱)، جوریشیچ و بونیجواچ (۲۰۱۷)، هورنی و ویت (۲۰۱۰)، کیم (۲۰۰۹)، گرین و همکاران (۲۰۰۷) و اپشتاین (۲۰۰۱) و همسو بود. گودال و مونتگومری (۲۰۱۴) بیان می‌کنند زمانی که والدین مهارت و تخصصی در تحصیل فرزند نشان می‌دهند، این مساله توسط معلمین ارزش گذاری می‌شود و این ارزش گذاری به نوبه خود به والدین بازگشت خورده و موجب هم افزایی و مشارکت بیشتر والدین در تحصیل فرزندان می‌شود. گودال (۲۰۱۸) بیان می‌کند که الگوی آموزش در سراسر جهان به شدت در حال تغییر است، از الگویی که معلمان حقایق را در مورد تمام محتوای آکادمیک می‌دانستند به الگویی که دانش‌آموزان در یادگیری مشارکت کنندگان قوی هستند تغییر پیدا کرده است. بر این اساس، الگوی روابط معلم و والدین نیز الزاماً باید از همان اصول پیروی کند. معلمان دیگر تنها کسانی نیستند که اطلاعات ارزشمندی برای انتقال به والدین دارند و والدین دیگر صرفاً دریافت کنندگان اطلاعات در مورد دستاوردها و نتایج رفتار کودکان نیستند. در عوض، دانش و افکار والدین باید شنیده و استقبال شود، زیرا آن‌ها اطلاعات ارزشمندی را در مورد یادگیری و رشد کودکان دارند که معلم انجام می‌دهد. می‌توان بر اساس نظر گودال (۲۰۱۸) و منطبق با تغییر الگوی آموزش معلم

این اثرات (پیام اهمیت و ایجاد مسئولیت) هنگامی بیشتر است که دعوت چند جانبه (از سوی معلم، خود کودک یا فرزند و مدیر) باشد. پژوهش‌های پیشین نشان داده اند که دعوت (از هر منبعی) موجب ارتقاء و بهبود وضعیت تحصیلی فرزندان می‌شود، این مساله عامل سومی است که میزان مشارکت والدین در خانه یا مبتنی بر مدرسه را افزایش می‌دهد زیرا ارتقاء و بهبود وضعیت تحصیلی فرزندان به صورت عامل تقویتی برای والدین عمل می‌کند و والدین با دریافت این عامل تقویتی میزان مشارکت خود را تداوم می‌بخشند و یا افزایش نیز می‌دهند. این مساله با مفهوم عاملیت در نظریه شناختی اجتماعی که پیشتر بیان شد نیز قابل تبیین است. کاد (۲۰۱۰) بیان می‌کند که هر گاه فردی احساس عاملیت در کاری کند، نقش او، رفتار و الگوهای رفتاری او در آن زمینه ارتقاء و افزایش تداوم می‌یابد، لذا والدینی که به دنبال دعوت (از سوی معلم، مدیر و فرزند) مشارکت در تحصیل فرزند را افزایش می‌دهد و متعاقباً تاثیرش را بر بهبود وضعیت تحصیلی فرزند خود مشاهده می‌کند، در او مفهوم عاملیت شکل می‌گیرد. علاوه بر موارد نام برده شاجیس و آرچال (۲۰۱۴) نیز بیان می‌کنند که دعوت از سوی معلم و مدیر از طریق ایجاد رابطه مثبت و صمیمیت و ایجاد زبان و هدف مشترک بر افزایش مشارکت والدین (مبتنی بر خانه و مدرسه) اثر می‌گذارد. جوریشیچ و بونیجواچ (۲۰۱۷) همچنین اشاره می‌کنند که دعوت مدرسه به نحوه دیگری نیز موجب افزایش اشکال مشارک والدین در تحصیل فرزندان می‌شود. آن‌ها بیان می‌کنند مدرسه تنفیذ تصمیم می‌کند که به مشارکت والدین در تصمیم گیری‌های مدرسه و رهبران و نمایندگان والدین اشاره دارد. والدین زمانی در تصمیم گیری مدرسه شرکت می‌کنند که بخشی از کمیته‌های مدیریت مدرسه می‌شوند یا به سازمان‌هایی مانند انجمن والدین/معلمان می‌پیوندند. سایر فعالیت‌های تصمیم گیری شامل بر عهده گرفتن نقش‌های رهبری است که شامل انتشار اطلاعات به دیگر والدین است. شامل: شرکت در سایر

پذیرش مشارکت والدین بررسی نشده است که می‌تواند علی‌رغم اشتیاق، آمادگی، مهارت والدین در تحصیل فرزندان خود، مانعی برای مشارکت مبتنی بر مدرسه آنها باشد. در این پژوهش تعداد فرزندان خانواده به عنوان متغیر تاثیر گذار بر میزان مشارکت والدین بررسی نشده است، لذا ممکن است خانواده با یک فرزند در مقابل خانواده‌های چند فرزند، تحت تاثیر تعداد فرزندان، میزان مشارکت متفاوتی در تحصیل فرزندان خود داشته باشند. با توجه به تاثیر سازه نقش در اشکال مشارکت والدین در تحصیل فرزندان، پیشنهاد اول مبادرت در زمینه ایجاد احساس نقش و ایجاد خودکارآمدی در زمینه ایفای نقش در تحصیل فرزندان برای والدین است که این به نوبه خود موجب افزایش مشارکت می‌شود. در این زمینه فراخوان مدرسه، جلسه اولیاء و مربیان و غیره جهت آموزش و تفهیم اهمیت مشارکت والدین به آنها می‌تواند کمک کننده باشد. با توجه به اثر ادراک از زمان و انرژی بر اشکال مشارکت والدین ابتدا باید والدین را در مقابل نقش پر رنگ و مسئولیت پذیری در قبال تحصیل فرزندان فرهنگ پذیر کرد، احتمال دارد والدین وقت و انرژی کافی هم داشته باشند اما در آنها باور و اعتقادی مبنی بر آنکه در تحصیل مشارکتی امروز سهمیه هستند نداشته باشند. بنابراین به متخصصان، معلمان، آموزش و پرورش و غیره پیشنهاد می‌شود در زمینه ایجاد این نگرش، باور و فرهنگ مبادرت کنند. به دنبال شکل گیری این باور والدین زمانی را از اوقات روز یا هفته برای مشارکت در تحصیل (مبتنی بر خانه و یا مدرسه) در نظر خواهند گرفت. با توجه به تاثیر ادراک دانش و مهارت بر اشکال مشارکت والدین در تحصیل فرزندان، نقش مدرسه در شکل گیری این دانش و مهارت پر رنگ است، با توجه به محدودیت‌ها و احتمال پرداخت ضعیف‌تر به این مساله، شاید تولید محتواهای دانشی و مهارتی مختص والدین جهت مشارکت در آموزش و یادگیری دانش آموزانشان مفید به نظر می‌رسد. با توجه به تاثیر دعوت از والدین (از

محور به مشارکت محور، والدینی که اطلاعات، دانش و مهارت بیشتری در این الگوی جدید ایفا می‌کنند، نقش پر رنگ‌تر و برجسته‌تری خواهند داشت و در این نظام جدید مشارکت در تحصیل این والدین بیشتر است. از منظری دیگر تبیین اثرات وقت و انرژی کافی والدین برای مشارکت در تحصیل فرزندان ساده‌تر به نظر برسد. با توجه به مسائل خاص مختص فرهنگ و جامعه ایران، طبیعتاً والدینی که تحت فشارهای اقتصادی نیستند، شیفت‌های کاری بلند مدت و نیز دو و یا حتی چند شیفت کاری ندارند فرصت بیشتری برای مشارکت در تحصیل فرزندان خود دارا هستند. علاوه بر ادراک از وقت و انرژی، یکی از مولفه‌های دیگر ادراک از مهارت و دانش از سوی والدین برای مشارکت در تحصیل فرزندان است. در تبیین این مولفه می‌توان به اثر روانشناختی ادراک از دانش و مهارت اشاره کرد. از منظر روانشناختی والدی که احساس داشتن دانش و مهارت کافی برای مشارکت در تحصیل فرزند خود را دارد، فردی خودکارآمد محسوب می‌شود. طبق نظریه خودکارآمدی بندورا وی طبیعتاً در آن زمینه اقدام بیشتری خواهد داشت، به زبانی دیگر والدی که احساس داشتن دانش و مهارت کافی برای مشارکت در تحصیل فرزند خود را دارد، طبیعتاً مشارکت مبتنی بر منزل و مبتنی بر مدرسه بیشتری در تحصیل فرزند یا فرزندان خود خواهد داشت.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود. از جمله محدودیت‌های این پژوهش آن است که صرفاً مداخله مبتنی بر منزل و مدرسه بررسی گردید و کیفیت مداخله والدین و چگونگی آن، در امور تحصیلی فرزندان مورد بررسی قرار نگرفته است. در این پژوهش اشکال مشارکت والدین در مدرسه بررسی و اندازه گیری شد که به عنوان یک متغیر مطلوب شمرده می‌شود و فرض بر آن بود که متاثر از چند متغیر دیگر (در این پژوهش؛ متغیرهای پیش بین) است؛ اما یکی محدودیت‌های پژوهش آن است که میزان پتانسیل و آمادگی مدارس برای شکل دهی و

- توجه/ بیش فعالی. فصلنامه کودکان استثنایی، ۱۴ (۳)، ۴۳-۵۴.
- زارع، حسین، و قربانی، سارا. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی بر رفتارهای یاری رسان با توجه به نقش میانجی‌گر هوش اجتماعی. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱۱ (۴۳)، ۱۹-۳۴.
- Ames, C. (1993). Parent Involvement: The Relationship between School-to-Home Communication and Parents' Perceptions and Beliefs. Report No. 15.
- Ashton, P. T., Webb, R. B., & Doda, N. (1983). A study of teacher sense of efficacy (Final report). Gainesville: University of Florida. ERIC Document Reproduction Service No. ED 231 833
- Babad, E. Y., Birnbaum, M., & Beene, K. D. (1983). The social self: Group influences on personal
- Bai, B., Wang, J. (2020). The role of growth mindset, self-efficacy and intrinsic value in self-regulated learning and English language learning achievements. Language Teacher Research. Epub ahead of print 24 June 2020. DOI: 10.1177/1362168820933190.
- Balli, S. J., Demo, D. H., & Wedman, J. F. (1998). Family involvement with children's homework: An intervention in the middle grades. *Family Relations*, 47, 149-157.
- Bandura, A. (1986). *Social foundations of thought and action: A cognitive theory*. Englewood
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: W. H. Freeman.
- Berthelsen, D., & Walker, S. (2008). Parents' involvement in their children's education. *Family matters*, (79), 34-41.
- Biddle, B. J. (1979). *Role theory: Expectations, identities, and behavior*. New York: Academic Press.
- Biddle, B. J. (1986). Recent developments in role theory. *Annual Review of Sociology*, 12, 67-92.
- Bronfenbrenner, U. (1979). *The ecology of human development: Experiments by nature and design*.
- Burić, I., & Kim, L. (2022). Teacher self-efficacy, instructional quality, and student motivational beliefs: An analysis using multilevel structural equation modeling. *Learning and Instruction*, 66, 41-52.
- Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Chrispeels, J., & Rivero, E. (2000). *Engaging Latino families for student success: How parent*

سوی معلم، دانش‌آموز و مدیر) برای مشارکت، پیشنهاد می‌شود جلسه‌های مدارس با معلمان جدی تلقی شود، اهمیت آن به والدین منقل گردد، و حتی از طرقی همچون شرط ثبت نام، شرط دریافت کارنامه تحصیلی، شرط استفاده از امکانات مدارس، اخذ تفاهم نامه با والدین، برای مشارکت آن‌ها در تحصیل فرزندان و مشارکت با مدرسه، استفاده کرد. همچنین با توجه به گسترش و دسترسی به فضای مجازی، می‌توان از ظرفیت‌های این فضا نیز برای ایجاد و گسترش پیوند والدین با مدارس و تحصیل فرزند استفاده کرد. پیشنهاد می‌شود نقش مدارس نیز به عنوان یک متغیر تاثیر گذار بر ایجاد، حفظ و افزایش مشارکت والدین در تحصیل فرزندان نیز بررسی شود. پیشنهاد می‌شود متغیرهای مداخله‌گر دیگری همچون تعدا فرزندان والدینی که میزان مشارکت در تحصیل فرزند از سوی آن‌ها بررسی می‌شوند نیز بررسی یا کنترل شود.

### موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد.

### تشکر و قدردانی

در پایان از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داریم.

### مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی‌سازی نقش یکسانی داشتند.

### تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

### References

- ذوقی پایدار، محمدرضا، یعقوبی، ابوالقاسم، و نبی زاده، صفدر. (۱۳۹۳). ارتباط شیوه برخورد و عوامل مؤثر در مداخله والدین با پیشرفت تحصیلی کودکان دارای اختلال نارسایی



- homework. *Educational Psychologist*, 36(3), 181-193.
- Epstein, J.L. (2001). *School, Family, and Community Partnerships: Preparing Educators and Improving Schools*. Boulder: Westview Press; 2001. 624 p
- Fantuzzo, J., McWayne, C., Perry, M. A., & Childs, S. (2004). Multiple dimensions of family involvement and their relations to behavioral and learning competencies for urban, low-income children. *School psychology review*, 33(4), 467-480.
- Fridani, L. (2021). Mothers' perspectives and engagements in supporting children's readiness and transition to primary school in Indonesia. *Education 3-13* 49(7), 809-820.
- García-Martín, J., and García-Sánchez, J. N. (2018). The instructional effectiveness of two virtual approaches: processes and product. *Rev. Psicodidáctica* 23, 117-127. doi: 10.1016/j.psicod.2018.02.002.
- Gau, S. S. (2007). Parental and family factors for attention-deficit hyperactivity disorders in Taiwanese children. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 41(8), 688-696.
- Gonzalez-DeHass, A. R., Willems, P. P., & Holbein, M. F. D. (2005). Examining the relationship between parental involvement and student motivation. *Educational psychology review*, 17(2), 99-123.
- Goodall, J., & Montgomery, C. (2014). Parental involvement to parental engagement: A continuum. *Educational Review*, 66(4):399-410. DOI: 10.1080/00131911.2013.781576
- Green, C. L., Walker, J. M. T., Hoover-Dempsey, K. V., & Sandler, H. M. (2007). Parents' motivations for involvement in children's education: An empirical test of a theoretical model of parental involvement. *Journal of Educational Psychology*
- Gregory, A., & Weinstein, R. S. (2004). Connection and regulation at home and in school: Predicting growth in achievement for adolescents. *Journal of Adolescent Research*, 19(4), 405-427.
- Grover, K. A. (2015). A validation of the family involvement questionnaire-high school version.
- Henderson, A. T., & Berla, N. (1994). A new generation of evidence: The family is critical to student achievement.
- Henderson, A. T., & Mapp, K. L. (2002). *A New Wave of Evidence: The Impact of School, Family, and Community Connections on Student Achievement*. Annual Synthesis, 2002.
- Hoover-Dempsey, K. V., & Sandler, H. M. (2005). Final performance report for OERI Grant#
- Clark, R. (1983). *Family life and school achievement: Why poor Black children succeed and fail*. Chicago: Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Closson, K. E., Wilkins, A. S., Sandler, H. M., & Hoover-Dempsey, K. V. (2004, April). *Crossing cultural boundaries: Latino parents' involvement in their children's education*. Paper presented at
- Code, J. (2020). Agency for Learning: Intention, Motivation, Self-Efficacy and Self-Regulation. *Front. Educ.* 5:19. doi: 10.3389/educ.2020.00019.
- Comer, P. J., & Haynes, N. M. (1991). Parent involvement in schools: An ecological approach. *Elementary School Journal*, 91, 271-277.
- Cuff, D. J., & Mattson, M. T. (1982). *Thematic maps: Their design and production*. New York: Methuen.
- Dauber, S. L., & Epstein, J. L. (1993). Parents' attitudes and practices of involvement in innercity elementary and middle schools. In N. F. Chavkin (Ed.), *Families and schools in a pluralistic society* (pp. 53-71). Albany: State University of New York Press.
- Dembo, M. H., & Gibson, S. (1985). Teachers' sense of efficacy: An important factor in school improvement. *Elementary School Journal*, 86, 173-184.
- Durisic, M., & Bunijevac, M. (2017). Parental Involvement as an Important Factor for Successful Education. *C. E. P. S. Journal*, 7 (3), 137-153.
- Eccles, J. S., & Harold, R. D. (1993). Parent-school involvement during the early adolescent years. *Teachers College Record*, 94, 568-587.
- Eccles, J., & Wigfield, A. (2002). Motivational beliefs, values and goals. *Annual Review Psychology*, 53, 109-132. DOI: 10.1146/annurev.psych.53.100901.135153
- El Nokali, N. E., Bachman, H. J., & Votruba-Drzal, E. (2010). Parent involvement and children's academic and social development in elementary school. *Child development*, 81(3), 988-1005.
- Epstein, J. L. (1986). Parents' reactions to teacher practices of parent involvement. *Elementary*
- Epstein, J. L. (1991). Effects on student achievement of teachers' practices of parent involvement.
- Epstein, J. L., & Dauber, S. L. (1991). School programs and teacher practices of parent involvement
- Epstein, J.L., & Van Voorhis, F.L. (2001). More than minutes: Teacher's roles in designing



- R305T010673: The social context of parental involvement: A path to enhanced achievement.
- Jeynes, W. H. (2007). The relationship between parental involvement and urban secondary school student academic achievement: A meta-analysis. *Urban education*, 42(1), 82-110.
- Lavenda, O. (2011). Parental involvement in school: A test of Hoover-Dempsey and Sandler's model among Jewish and Arab parents in Israel. *Children and Youth Services Review*, 33(6), 927-935.
- Walker, J. M., Wilkins, A. S., Dallaire, J. R., Sandler, H. M., & Hoover-Dempsey, K. V. (2005). Parental involvement: Model revision through scale development. *The elementary school journal*, 106(2), 85-104.
- Zare, H., & Ghorbani, S. (2021). Examining the impact of risk perception, self-efficacy and social problem solving on helping behaviors with regard to the mediating role of social intelligence. *Social Psychology Research*, 11 (43), 19-34. (In Persian)
- Zoghi Paydar, M. R., Yaqoubi, A., & Nabizadeh, S. (2014). The relationship between attitude and effective factors in parents' intervention with the academic progress of children with attention deficit/hyperactivity disorder. *Exceptional Children Quarterly*, 14(3), 43-54. (In Persian)

